پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۵۳-۷۷ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 37, Autumn &Winter 2025/2026

مطالعه تطبیقی مهم‌ترین شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و آموزه‌های دینی

محمدرضا آکار[1]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹)

چکیده

این مقاله، با هدف مقایسه مهم‌ترین شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، در روان‌شناسی اجتماعی و آموزه‌های دینی و با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده‌ها، از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مهم‌ترین نظریه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی را (بر مبنای خاستگاه شکل‌گیری نگرش)، به چهار گروه (نظریه‌های مبتنی بر شناخت، نظریه‌های مبتنی بر عواطف، نظریه‌های مبتنی بر رفتار و نظریه‌های مبتنی بر نیاز)، تقسیم کرده؛ سپس، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در آموزه‌های دینی را نیز به چهار گروه (شیوه‌های شکل‌گیری نگرش با ایجاد شناخت، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش با تحریک عواطف، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش با ایجاد رفتار و شیوه‌های شکل‌گیری نگرش با تأمین نیاز)، تقسیم کرده و در ادامه، نقاط اختلاف و اشتراک دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داده است. اعتقاد به شکل‌گیری نگرش، از طریق شناخت، عواطف، رفتار و نیاز، به عنوان مهم‌ترین نقطه اشتراک و اختلاف در مبانی (انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی) و هم‌چنین اختلاف در هدف (هدف از طرح شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، در دو دیدگاه)، به عنوان مهم‌ترین نقاط اختلاف دو دیدگاه، در این مقاله، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: مطالعه تطبیقی، شکل‌گیری نگرش، روان‌شناسی اجتماعی، آموزه‌های دینی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ akar@uma.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۱. بیان مسأله

روان‌شناسی اجتماعی، رشته‌ای است علمی که درصدد فهم ماهیت و علل رفتار و اندیشه فرد، در موقعیت‌های اجتماعی است؛ به بیان دیگر، روان‌شناسان اجتماعی، در جستجوی درک چگونگی تفکر ما درباره دیگران و تعامل ما با آن‌ها هستند (بارون، برن، جانسون، ۳۲). یکی از موضوعات مطرح در روان‌شناسی اجتماعی، موضوع نگرش می‌باشد. نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و از نخستین روزهای تأسیس آن، همواره مفهومی محوری تلقی شده و در مرکز توجه مطالعاتی قرار داشته است. راز اهمیت نگرش، در دو علت اساسی نهفته است: نخست آنکه نگرش، با تحت تأثیر قرار دادن شیوه اندیشیدن، بر عقاید انسان اثرگذار است و علت دیگر، تأثیری است که نگرش، اغلب بر روی رفتار می‌گذارد (همان، ۲۰۵-۲۰۶)؛ به جهت تأثیر نگرش‌ها، بر عقاید و رفتار انسان‌ها است که موضوع چگونگی شکل‌گیری نگرش (در افراد)، علاوه بر روان‌شناسی اجتماعی، در آموزه‌های دینی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در این زمینه نظریه‌ها و شیوه‌های فراوانی (در دو دیدگاه)، بیان گردیده است.

این مقاله، با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای، پس از طرح مباحث مقدماتی، به دنبال پاسخ به این سؤال برآمده است که، شیوه‌های ارائه شده در آموزه‌های دینی، برای شکل‌گیری نگرش، چه می‌باشد؟ و چه نقاط اشتراک و اختلافی، بین این شیوه‌ها با مهم‌ترین نظریه‌های تکوین و شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی) وجود دارد؟ سؤال دیگر این‌که، از آنجا که شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در دو دیدگاه، بر اساس مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی، بیان شده است، نقاط اشتراک و اختلاف دو دیدگاه، در این زمینه چه می‌باشد؟

۲. مقدمه

نگرش‌ها، به عنوان مجموعه‌ای از باورها و احساسات، نسبت به اشخاص، گروه‌ها یا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

پدیده‌ها، نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. روان‌شناسان اجتماعی، با بررسی نحوه شکل‌گیری نگرش‌های فردی و جمعی، نظریه‌های متعددی در زمینه چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها بیان داشته‌اند؛ در آموزه‌های دینی نیز با بیان ارزش‌گزاری نگرش‌ها، شیوه‌های متعددی در زمینه چگونگی شکل‌گیری نگرش‌های مطلوب بیان شده است. این مقاله، به مطالعه تطبیقی و بررسی نقاط اشتراک و اختلاف دو دیدگاه خواهد پرداخت.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

مطالعه تطبیقی و توجه به نظریه‌های روان‌شناسان اجتماعی در موضوع چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها، علاوه بر ظهور و بروز شباهت‌ها و تفاوت‌های دو دیدگاه، می‌تواند نقش مهمی در فهم دقیق آموزه‌های دینی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، توجه به نظریه‌های روان‌شناسان اجتماعی، می‌تواند به عنوان ابزاری برای فهم دقیق و تبیین جدید و کاربردی از آموزه‌های دینی مطرح گردد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه این مقاله باید گفت که مطالعه تطبیقی، به مانند آنچه در این تحقیق، مورد بررسی قرار گرفته، تا کنون مشاهده نشده است؛ اما از آثار تألیف شده که نزدیک به موضوع این مقاله باشد، می‌توان به چند مقاله با موضوع نگرش ایمانی، از سید سجاد طباطبائی‌نژاد اشاره کرد؛ که از جمله آن‌ها مقاله‌ای است با عنوان «شکل‌گیری نگرش ایمانی در قرآن کریم: رهیافت الگوی کارکردی در روان‌شناسی اجتماعی»، منتشر شده در پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت)، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱. نویسنده در این مقالات، از رهگذر برخی از نظریه‌های تغییر و تکوین نگرش در روان‌شناسی اجتماعی، مفهوم نگرش ایمانی و مهم‌ترین عوامل و موانع مؤثر بر تکوین آن را (با توجه به آیات قرآن)، توضیح داده است. ویژگی و وجه تمایز اثر حاضر با آثار مذکور، در این است

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

که برخلاف آثار مذکور، این مقاله، بـه مطالعـه تطبیقـی و بیـان نقـاط اشـتراک و اخـتلاف شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی و آموزه‌های دینی پرداخته است.

۳. نگرش و شکل‌گیری آن (در روان‌شناسی اجتماعی)

اصطلاح نگرش، از نظر روان‌شناسان اجتمـاعی، دارای تعریـف‌هـای گونـاگونی اسـت. بیشتر روان‌شناسان اجتماعی، نگرش را به معنی ارزیابی (عکس‌العمل مثبت یا منفی نسـبت به) افراد، اشیاء و یا نقطه‌نظرها تعریف نموده (آرونسـون، ویلسـون، آکـرت، ۱۵۶) و آن را نظامی بادوام می‌دانند که دارای سه مؤلفه «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» است (کریمی، ۲۲۴). در حالی که اجزای تشکیل دهنده نگرش‌هـا، شـناختی، عـاطفی و رفتـاری اسـت، ممکن است، رکن اساسی تشکیل دهنده یک نگرش خاص و به عبـارت دیگـر، خاسـتگاه شکل‌گیری آن نگرش، یکی از این سه مؤلفه (آرونسون، ویلسون، آکرت، ۱۵۶–۱۵۹) و یـا مؤلفه چهارمی، با عنوان «نیـاز» باشـد (فرانـزوی، ۱۳۸). بـر ایـن اسـاس، روان‌شناسـان اجتماعی، نظریه‌هایی را در موضوع شکل‌گیری نگرش مطرح کرده‌اند.

٤. مهم‌تـرین نظریـه‌هـای شـکل‌گیـری نگـرش در روان‌شناسـی اجتمـاعی (براساس خاستگاه شکل‌گیری نگرش)

این نظریه‌ها، به چهار گروه قابل تقسیم است:

٤–۱. نظریه‌های مبتنی بر شناخت

خاستگاه شکل‌گیری نگرش، در این نظریه‌ها، «شناخت» می‌باشد (همان، ۱۳۲–۱۳۸). مهمترین این نظریه‌ها عبارتند از:

الف. نظریه مقایسه اجتماعی: براساس این نظریه که از لئون فسـتینگر[1] (۱۹۵۴) اسـت، اغلب نگرش‌های انسان، بواسطه مقایسه و هم‌گرایی با نظرات دیگران، به خصوص افـرادی

1. Festinger.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

که مورد تحسین او هستند، شکل می‌گیرد (بارون، برن، جانسون، ۲۱۱-۲۱۲).

ب. نظریه یادگیری مشاهده‌ای: این نظریه، از آلبرت بندورا[1] (۱۹۷۷) بوده و بیان می‌کند که نگرش‌های انسان‌ها، از طریق یادگیری مشاهده‌ای و از روی مدل‌های قابل مشاهده (به عنوان روشی غیرمستقیم)، شکل گرفته و تکوین می‌یابند (فرانزوی، ۱۳۴-۱۳۵).

٤-۲. نظریه‌های مبتنی بر عواطف

خاستگاه شکل‌گیری نگرش، در این نظریه‌ها، «عواطف» است (همان، ۱۳۲-۱۳۸)، که مهم‌ترین مؤلفه نگرش را تشکیل می‌دهد (کریمی، ۲۲۵). مهمترین این نظریه‌ها عبارتند از:

الف. نظریه مواجهه صرف: طبق نظریه مواجهه صرف رابرت زاینتس[2] (۱۹۶۸)، وقتی مردم، به دفعات زیاد، با چیزی مواجه شوند، غالباً در مورد آن، نگرش مثبتی پیدا می‌کنند؛ بدون اینکه نیاز به اقدام خاصی یا پیدا کردن هر گونه اطلاعات و اعتقاد خاصی، نسبت به آن چیز باشد (فرانزوی، ۱۳۲-۱۳۸).

ب. نظریه شرطی‌سازی کلاسیک: این نظریه که از پاولف[3] است، یک نوع یادگیری بر اساس تداعی می‌باشد (همان، ۱۳۳). «یکی از اصول پایه‌ای روان‌شناسی، عبارت از این است که، اگر به طور مرتب، یک محرک، پیش از محرک دیگری واقع شود، محرکی که ابتدا به وقوع پیوسته، ممکن است به زودی، پیامی باشد دال بر وقوع محرک دوم؛ به همین جهت، به محض وقوع اولین محرک، افراد تصور می‌کنند که دومین محرک نیز واقع خواهد شد؛ در نتیجه، به تدریج، افراد، همان واکنشی را که نسبت به محرک دوم، از خود بروز می‌دهند، با ظهور اولین محرک، نشان خواهند داد؛ بویژه اگر محرک دوم، واکنشی نسبتاً قوی و خودزاد را موجب شود» (بارون، برن، جانسون، ۲۰۸).

1. Albert Bandura.
2. Zajonc, R. B.
3. Ivan pavlov.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

٤-٣. نظریه‌های مبتنی بر رفتار

خاستگاه شکل‌گیری نگرش، در این نظریه‌ها، «رفتار» می‌باشد (فرانزوی، ۱۳۲-۱۳۸). مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارتند از:

الف. نظریه شرطی‌سازی عامل: بر طبق این نظریه از اسکینر[1]، زمانی‌که رفتاری، پاداش داده شود، تکرار گردیده و افزایش می‌یابد و در صورت تنبیه شدن یا پاداش نگرفتن، کاهش یافته و دوباره تکرار نخواهد شد؛ افزایش یا کاهش یک رفتار نیز، نگرشی متناسب و هماهنگ با آن را به دنبال خواهد داشت (بارون، برن، جانسون، ۲۱۰).

ب. نظریه ادراک خود: بر اساس این نظریه از داریل بم[2] (۱۹۷۲)، در اکثر موارد، انسان‌ها نمی‌دانند چه نگرش‌هایی دارند و نگرش‌های خود را از رفتار و شرایطی که رفتارشان را در آن انجام می‌دهند، بدست آورده و استنباط می‌کنند (فرانزوی، ۱۳۵-۱۳۶).

٤-٤. نظریه‌های مبتنی بر نیاز

عده‌ای از نظریه‌پردازان، مانند کاتز[3] (۱۹۶۰)، معتقد بودند که برای پیدا کردن خاستگاه شکل‌گیری نگرش انسان‌ها، باید هدف یا کارکرد نگرش‌ها را بررسی کرد، نه مؤلفه‌ها و اجزای نگرش (یعنی، شناخت، عواطف و رفتار) را. طبق این دیدگاه، نگرش‌ها، برای تأمین و برطرف کردن «نیاز» انسان‌ها تشکیل شده و شکل می‌گیرند (همان، ۱۳۸-۱۳۹).

۵. شکل‌گیری نگرش و شیوه‌های آن (در آموزه‌های دینی)

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه آموزه‌های دینی و سیره اهل بیت(ع)، موضوع چگونگی شکل‌گیری نگرش (در افراد) می‌باشد، که با کمک گرفتن از آموزه‌های دینی، می‌توان شیوه‌های چهارگانه‌ای را برای آن برشمرد؛ این شیوه‌ها و مصادیق هر یک از آنها، عبارتند از:

1. Skinner.
2. Bem, D.
3. Katz.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۵-۱. شکل‌گیری نگرش، با ایجاد شناخت

اهمیت این شیوه از آنروست که در ساختار وجودی انسان (که مشتمل بر یک‌سری از شناخت‌ها، تمایلات و رفتارها است)، نقش شناخت‌ها (به صورت طبیعی و در حالت عادی که زمام کارهای انسان بدست خود اوست)، در تصمیم‌گیری انسان، بیشتر بوده و تمایلات نیز با آن همکاری می‌کند (جوادی آملی، ۳۲۴-۳۲۷)؛ به همین جهت، اولیای الهی، در راه تحقق کمالات انسانی و برگرفتن انسان، از بندهای تنومند نفس، همواره از این شیوه بهره می‌جسته‌اند. برخی از مهم‌ترین مصادیق این شیوه در آموزه‌های دینی، عبارتند از:

الف. شکل‌گیری نگرش از طریق الگوسازی، قرآن کریم، با توجه به این شیوه و برای شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد، اسوه‌های فراوانی را معرفی کرده است؛ به عنوان نمونه، قرآن، به انبیاء، صالحین، متقین، عباد الرحمان، فائزین، مفلحین و امثال آن، اشاره فراوان دارد (بشیر، ۱۱۵). کاربرد این شیوه، در روایات معصومان (ع) نیز فراوان است.[۱]

ب. شکل‌گیری نگرش از طریق پندآموزی، از این شیوه، علاوه بر آیات متعدد قرآن[۲]، در وصایای حضرت علی (ع) به فرزندشان استفاده شده است: «پسرم، قلبت را با پند و اندرز نیکو زنده گردان ....، تاریخ گذشتگان را بر او بنمایان و آنچه بر سر پیشینیان آمده را به او یادآوری کن؛ در دیار و آثار ویران شده رفتگان، بگرد و اندیشه کن که آن‌ها چه انجام دادند؛ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمدند؛ از میان دوستان، جدا شده و به سرای غربت، هجرت کردند؛ گویا زمانی نمی‌گذرد که تو هم، یکی از آنان خواهی شد؛ پس جایگاه آینده‌ات را آباد گردان؛ آخرت خود را به دنیا نفروش و آنچه نمی‌دانی، بیان مکن و چیزی که بر تو لازم نیست نیز مگوی ...» (سید رضی، ۵۲۱). بر اساس این آموزه‌ها، یکی از بهترین راههای شکل‌گیری نگرش مطلوب در فرزندان، پندآموزی آنها از طریق پدر خانواده می‌باشد.

---

۱. به عنوان نمونه، می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرد که می‌فرمایند: «إِنَ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ؛ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَ الْأَدَبَ يَبْقَى» (کلینی، ۱۵۰/۸)؛ در این روایت، تحقق شکل‌گیری نگرش مطلوب در فرزند، به الگو بودن پدر مشروط شده است؛ زیرا تا پدر الگوی ادب نباشد، نمی‌تواند ادب را برای فرزندان خود به ارث بگذارد.

۲. به عنوان نمونه، (لقمان، ۱۳-۱۹).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

ج. شکل‌گیری نگرش از طریق هم‌نشینی، از این شیوه، علاوه بر آیات[۱]، در روایات متعدد، استفاده شده است. به عنوان نمونه‌ای در این زمینه، می‌توان به روایاتی که هم‌نشینی با عالمان دینی را (به دلیل زیاد شدن علم و ادب و تزکیه روح)، توصیه کرده[۲] و از هم‌نشینی با ثروتمندان (به دلیل کوچک شدن نعمت خداوند در نزد انسان، گرفتار شدن به کفران نعمت، نفاق، قساوت قلب، عدم خشوع و در نهایت، از بین رفتن دین)، نهی کرده است[۳] اشاره کرد؛ که نشان از تأثیر هم‌نشینی، در شکل‌گیری نگرش، در افراد دارد.

د. شکل‌گیری نگرش از طریق تبشیر و ترغیب، یکی از شیوه‌های مهم قرآن برای شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد، تبشیر و ترغیب (به خصوص، ترغیب به ایمان و انجام عمل صالح) می‌باشد: «**الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ، طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآب**»؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی با سعادت و بازگشتی نیک است (الرعد، ۲۹). کاربرد این روش، در احادیث نیز فراوان می‌باشد.[۴]

ذ. شکل‌گیری نگرش از طریق مقایسه با دیگران، از این شیوه، در روایات توصیه به مقایسه با افرادی که در امور مادی، پایین‌تر[۵] یا هم‌ردیف[۶] انسان هستند و هم‌چنین روایات

---

۱. به عنوان نمونه: «یا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلیلا، لَقَدْ أَضَلَّنی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنی وَ کانَ الشَّیْطانُ لِلْإِنْسانِ خَذُولا» (الفرقان، ۲۸-۲۹)؛ تعبیر «لَقَدْ أَضَلَّنی عَنِ الذِّکْرِ» در این آیه، به صراحت، اشاره به تأثیر هم‌نشینی، در شکل‌گیری نگرش نامطلوب در افراد دارد.

۲. «جَالِسِ الْعُلَمَاءَ یَزْدَدْ عِلْمُکَ وَ یَحْسُنْ أَدَبُکَ وَ تَرُکُ نَفْسُکَ» (لیثی واسطی، ۲۲۳).

۳. «إِیَّاکُمْ وَ عِشَارَ الْمُلُوکِ وَ أَبْنَاءِ الدُّنْیَا فَإِنَّ ذَلِکَ یُصَغِّرُ نِعْمَةَ اللَّهِ فِی أَعْیُنِکُمْ وَ یُعَقِّبُکُمْ کُفْراً وَ إِیَّاکُمْ وَ مُجَالَسَةَ الْمُلُوکِ وَ أَبْنَاءِ الدُّنْیَا فَفِی ذَلِکَ ذَهَابُ دِینِکُمْ وَ یُعَقِّبُکُمْ نِفَاقاً وَ ذَلِکَ دَاءٌ دَوِیٌّ لَا شِفَاءَ لَهُ وَ یُورِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ یَسْلُبُکُمُ الْخُشُوعَ» (نوری، ۳۳۷/۸).

۴. به عنوان نمونه، می‌توان به حدیثی از رسول اکرم (ص) اشاره کرد که می‌فرمایند: «طُوبَی لِمَنْ کَانَ صَمْتُهُ تَفَکُّراً وَ نَظَرُهُ عِبْرَةً»؛ خوشا به حال آن کسی که سکوت او از روی تفکر و نظرش از روی عبرت و پند باشد (نوری، ۱۸۴/۱۱).

۵. به عنوان نمونه: «انْظُرْ إِلَی مَنْ هُوَ دُونَکَ فِی الْمَقْدُرَةِ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَی مَنْ هُوَ فَوْقَکَ فِی الْمَقْدُرَةِ فَإِنَّ ذَلِکَ أَقْنَعُ لَکَ بِمَا قُسِمَ لَکَ وَ أَحْرَی أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّیَادَةَ مِنْ رَبِّکَ ..»؛ در مکنت و مال، به کسی که از تو پایین‌تر است، نگاه کن و به برتر از خود منگر، چرا که این کار، موجب قناعت بیشتر تو، به قسمت الهی می‌شود و باعث می‌گردد، خداوند متعال [بر اثر سپاسگذاری و قدردانی تو]، نعمت را بر تو افزون کند (کلینی، ۲۴۴/۸).

۶. به عنوان نمونه: «... وَ عَلَیْکَ بِالْأَشْکَالِ مِنَ النَّاسِ وَ الْأَوْسَاطِ مِنَ النَّاسِ فَعِنْدَهُمْ تَجِدُونَ مَعَادِنَ الْجَوْهَرِ»؛ به تو توصیه می‌کنم با همانندان خود (توده مردم) و قشر متوسط، در ارتباط بوده و هم‌نشینی کنی؛ چرا که این قشر، معادن گوهرهای گوناگون انسانیت هستند (مجلسی، ۳۶۷/۷۲)؛ از آنجا که هم‌نشینی، معمولاً به مقایسه می‌انجامد،←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

پرهیز از مقایسه با ثروتمندان[۱]، استفاده شده است و علت آن نیز تأثیر چنین مقایسه‌ای در شکل‌گیری نگرش در انسان، بیان شده است.

ر. **شکل‌گیری نگرش از طریق استدلال برهانی**، (طبرسی، ۳۳۲/۲)، جدال أحسن (طبرسی، ۴۲۱/۲-۴۲۲)، دعوت به تفکر و تعقل (مجلسی، ۳۲۷/۶۸)، استناد به قرآن و سخن پیامبر(ص) (سید رضی، ۳۳۸)، تمثیل و تجسیم (مجلسی، ۲۲۰/۷۹)، قصه‌گویی (کلینی، ۳۲۴/۲)، بیدارسازی وجدان (مجلسی، ۱۲۲/۷۰)، تذکر و موعظه (لیثی واسطی، ۸۵)، ذکر مصیبت و مرثیه‌خوانی (مجلسی، ۲۸۳/۴۴) و ... ، از مصادیق دیگر، شکل‌گیری نگرش (با ایجاد شناخت) می‌باشد که در آموزه‌های دینی، مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۲. شکل‌گیری نگرش، با تحریک عواطف

در برخی از موارد، از طریق تحریک عواطف، می‌توان با تحت الشعاع قرار دادن شناخت افراد، منشأ شکل‌گیری نگرش مطلوب، در آنها شد (جوادی آملی، ۳۲۴-۳۲۷). برخی از مهم‌ترین مصادیق این شیوه، در آموزه‌های دینی، عبارتند از:

الف. شکل‌گیری نگرش از طریق انذار و تحذیر: آغاز شدن دعوت پیامبر(ص) با انذار، بیانگر این نکته است که این شیوه، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش مطلوب (در افراد) دارد: «**یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ**»؛ ای گلیم بر خود پیچیده، برخیز و بیم ده (المدثر،۱-۲؛ بشیر، ۱۰۷).

ب. شکل‌گیری نگرش از طریق نرم‌خو بودن با افراد: به طور قطع، آنچه در جذب افراد به سوی پیامبر(ص) و شکل‌گیری نگرش مطلوب در آنها، نقش اساسی را داشته، صمیمیت،

← در این روایت، امام صادق (ع) به هم‌نشینی با قشر متوسط (به دلیل دارابودن معادن گوهرهای گوناگون انسانیت)، توصیه می‌کنند، تا در اثر این هم‌نشینی و مقایسه حاصل از آن، به تدریج، زمینه‌های شکل‌گیری نگرش مطلوب، در طرف مقابل نیز فراهم گردد.

۱. به عنوان نمونه: «وَ إِیَّاکُمْ أَنْ تَمُدُّوا أَطْرَافَکُمْ إِلَی مَا فِی أَیْدِی أَبْنَاءِ الدُّنْیَا؛ فَمَنْ مَدَّ طَرْفَهُ إِلَی ذَلِکَ، طَالَ حُزْنُهُ، وَ لَمْ یُشْفَ غَیْظُهُ، وَ اسْتُصْغِرَ نِعَمُ اللَّهِ عِنْدَهُ، فَیَقِلُّ شُکْرُهُ لِلَّهِ»؛ بپرهیزید از چشم‌داشت به آنچه دنیاداران دارند، که هر که بر آن چشم دوزد، اندوهش بسیار شود و خشمش فرو نکشد و نعمت خدا، در نزدش اندک نماید و شکرش برای خداوند، کم گردد (جمعی از علماء، ۲۰۹).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مهربانی و عطوفت پیامبر(ص)، نسبت به آنها بوده است[۱]؛ بر همین اساس است که در هنگام عزیمت معاذ بن جبل به یمن (برای ترویج اسلام)، نیز از سوی پیامبراکرم (ص)، به ایشان سفارش به سهل‌گیری با افراد می‌شود.[۲]

ج. شکل‌گیری نگرش از طریق احترام گذاشتن به افراد: اهمیت این شیوه، در شکل‌گیری نگرش، تا آنجاست که خداوند متعال، بی‌احترامی نسبت به مشرکان (حتی اعتقادات آنها) را جایز ندانسته و مسلمان را از اهانت و بدگویی به خدای مشرکان، نهی کرده است[۳]؛ بر این اساس، در سیره اهل‌بیت(ع) نیز، شکل‌گیری نگرش (در افراد)، از طریق احترام به آنها، بسیار مورد توجه قرار گرفته است[۴].

د. شکل‌گیری نگرش از طریق در نظر گرفتن تنوّع روحی افراد: بر اساس این شیوه، بهترین زمان شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد، زمان میل و رغبت قلب افراد، برای این شکل‌گیری می‌باشد: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ كَرَاهَةً وَ إِقْبَالًا وَ إِدْبَاراً، فَأْتُوهَا مِنْ إِقْبَالِهَا وَ شَهْوَتِهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ»؛ دل‌ها را میل و روی آوردن و اکراه و تنفر است؛ [برای شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد]، در وقت میل و روی آوردن دل‌ها، به سوی دل‌ها آیید؛ چرا که دل، وقتی چیزی را با تحمیل و ناخوشی پذیرفت، چشم بر آن می‌بندد (تمیمی‌آمدی، ۶۶).

ذ. شکل‌گیری نگرش از طریق تحریک ایمان: به‌عنوان نمونه‌ای از مصادیق این شیوه، علاوه بر آیات قرآن[۵]، می‌توان به این جمله معروف از امام حسین(ع) اشاره کرد که

---

۱. «فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ، لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ...» (آل عمران، ۱۵۹).

۲. «یا معاذ یسّر و لا تعسّر و بشّر و لا تنفّر» (احمدی میانجی، ۵۸۹/۲).

۳. «وَ لا تَسُبُّوا الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ» (الانعام، ۱۰۸).

۴. به عنوان نمونه، امام حسن (ع)، در جواب ناسزاگوئی مرد شامی به ایشان، از شیوه احترام گذاشتن به مخاطب استفاده کرده و با مهمان‌کردن و فراهم آوردن لوازم آسایش مرد شامی در منزل خویش، به گونه‌ای محترمانه با او برخورد می‌کنند، که سبب شکل‌گیری نگرش مطلوب مرد شامی، نسبت به ایشان شده، به همین دلیل، خطاب به ایشان می‌گوید: تا کنون، در نزد من، مبغوض‌ترین انسان‌ها، تو و پدرت بودید؛ اما اکنون، نزد من، بهترین خلق خدا، تو می‌باشی (مجلسی، ۳۴۴/۴۳).

۵. «یا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا، آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتابِ الَّذی نَزَّلَ عَلی رَسُولِه ...»؛ (النساء، ۱۳۶). در این آیه،←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

فرمودند: «يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ»؛ ای پیروان آل سفیان، اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، پس [لااقل] در زندگی خود، آزاده باشید (مجلسی، ۵۱/۴۵). سعی امام (ع)، با بیان این جملات (در جریان حادثه کربلا)، بر این است که از طریق تحریک ایمان کوفیان، به شکل‌گیری نگرش مطلوب در آنها پرداخته و به این وسیله، آنها را از تعرض و حمله به خیمه‌های خویش، (لااقل تا زمانی که زنده هستند)، باز دارند.

۵-۳. شکل‌گیری نگرش، با ایجاد رفتار

از آنجا که، بر اساس آموزه‌های دینی، ظاهر انسان، بر باطن او تأثیرگذار است،[۱] رفتارهای ظاهری انسان (اعم از قول و فعل)، می‌تواند با تأثیرگذاری بر باطن او، منشأ شکل‌گیری نگرش در او گردد. برخی از مهم‌ترین مصادیق این شیوه در آموزه‌های دینی، عبارتند از:

الف. شکل‌گیری نگرش از طریق انجام اعمال صالحه، از این شیوه، در آیات دعوت به انجام اعمال صالحه (العصر،۳؛ فاطر، ۱۰؛ الرعد، ۲۹؛ الکهف،۳۰؛ الانبیاء، ۹۴؛ الطلاق، ۱۱ و ...) و روایاتی که در آنها عمل به ارکان (عمل به فرائض دینی)، به عنوان سومین[۲] و مهم‌ترین رکن از ارکان سه‌گانه ایمان، معرفی شده،[۳] استفاده شده است؛ که نشان از نقش کلیدی تأثیر انجام اعمال صالحه، در شکل‌گیری نگرش مطلوب (در افراد) دارد.

← خداوند متعال (از راه تحریک ایمان)، به دنبال شکل‌گیری نگرش ایمانی، در مؤمنانی است که گرچه به ظاهر، دارای ایمان هستند، اما هنوز نگرش ایمانی، در آنها شکل نگرفته است (مکارم شیرازی، ۱۶۶/۴).

۱. «لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنٌ عَلَى مِثَالِهِ، فَمَنْ طَابَ ظَاهِرُهُ، طَابَ بَاطِنُهُ وَ مَا خَبُثَ ظَاهِرُهُ، خَبُثَ بَاطِنُه»؛ برای هر ظاهری، باطنی بر طبق آن می‌باشد؛ پس، آنچه ظاهرش پاکیزه باشد، باطنش نیز پاکیزه است و آنچه ظاهرش ناپاک باشد، باطنش نیز ناپاک است (تمیمی‌آمدی، ۴۷۹).

۲. به عنوان نمونه: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (ابن بابویه، ۲۲۶/۱).

۳. به عنوان نمونه: «لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ، أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (مجلسی، ۳۴۷/۷۵)؛ از اینکه امام رضا (ع)، در این روایت، افضل اعمال (در نزد خداوند) را، عمل به فرائض می‌دانند، می‌توان به دست آورد که، مهمترین رکن از ارکان سه‌گانه ایمان، عمل به ارکان می‌باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

ب. شکل‌گیری نگرش از طریق مداومت و تکرار، از این شیوه، علاوه بر آیات قرآن[۱]، در روایات توصیه به مداومت بر عمل خیر و استمرار این مداومت، به مدت یک‌سال[۲] و هم‌چنین روایات توصیه به مداومت و استمرار بر خواندن نماز، از سن هفت سالگی و روزه گرفتن، از نه سالگی[۳] استفاده شده است؛ که بیانگر این نکته است که، تکرار و استمرار بر رفتارهای خیر، فی نفسه، دارای موضوعیت بوده و در شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد، نقش اساسی دارد.

ج. شکل‌گیری نگرش از طریق تغییر محیط: از این شیوه، علاوه بر روایات[۴]، در برخورد حضرت موسی (ع) با فتنه سامری (در قرآن) استفاده شده است (طه، ۹۷). در این داستان قرآنی، حضرت موسی (ع)، برای جلوگیری از تأثیر منفی حاصل از مواجهه مکرر

---

۱. به عنوان نمونه: «إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً، إِلاَّ الْمُصَلِّينَ، الَّذينَ هُمْ عَلى صَلاتِهِمْ دائِمُونَ»؛ همانا انسان، حریص و بی‌تاب آفریده شده است؛ چون آسیبی به او رسد، بی‌تاب است و هنگامی که خیر و خوشی [و مال و رفاهی]، به او رسد، بسیار بخیل و بازدارنده است؛ مگر نمازگزاران، آنان که همواره بر نمازشان، مداوم و پایدارند (المعارج، ۱۹-۲۳). تعبیر «دائِمُونَ»، در این آیه، بیانگر این است که تکرار و استمرار بر اقامه نماز، در شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد (یعنی، دوری افراد از صفات مذموم اخلاقی؛ مثل، حرص، کم‌طاقتی، بی‌تابی و بخل)، نقش کلیدی را دارا می‌باشد (طباطبائی، ۱۵/۲۰).

۲. به عنوان نمونه: «اذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً، ثُمَّ يَتَحَوَّلُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِه ...»؛ اگر کسی عمل نیکی را انجام داد، آن را تا یک سال ادامه و استمرار دهد، بعد از یک سال، اگر دلش خواست رها کرده و یک عمل خیر دیگر را انجام دهد (کلینی، ۸۲/۲).

۳. در این زمینه، می‌توان به روایتی منقول از امام صادق (ع) اشاره کرد که می‌فرمایند: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرَثُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا»؛ ما [اهل بیت]، از کودکان خود می‌خواهیم که نماز بخوانند، وقتی به پنج سالگی رسیدند، شما وقتی کودکانتان به هفت سالگی رسیدند، از آنها بخواهید که نماز بخوانند. ما به فرزندان خود، دستور می‌دهیم که از هفت سالگی، تا هر وقت از روز که طاقت می‌آورند، روزه بگیرند ...، تا بر روزه گرفتن، عادت کنند و طاقت بیاورند؛ اما شما، کودکان خود را از نه سالگی، به روزه گرفتن وادار کنید، تا هر وقت که می‌توانند روزه باشند و اگر تشنگی به آنها فشار آورد، افطار کنند (کلینی، ۴۰۹/۳).

۴. به عنوان نمونه: «احْذَرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَ الْجَفَاءِ ...» (تمیمی‌آمدی، ۲۶۶)؛ دور شدن از منزل‌های غفلت و جفا در این روایت، به معنای عدم حضور در چنین محیط‌هایی و در صورت حضور و عدم قدرت بر تغییر آن، ترک چنین محیط‌هایی می‌باشد؛ به دلیل تأثیر چنین محیط‌هایی، در شکل‌گیری نگرش نامطلوب در انسان.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

قومش، با گوساله سامری، دست به تغییر محیط زده، علاوه بر اخراج سامری، هیچ اثری از گوساله سامری نیز بر جای نمی‌گذارد؛ بدون چنین تغییری، امکان اصلاح و بسترسازی، برای شکل‌گیری نگرش مطلوب فراهم نمی‌آمد؛ چنانکه هارون (ع)، در غیبت حضرت موسی (ع)، نتوانسته بود، بدون دست زدن به چنین اقدامی، به مهار فتنه سامری بپردازد (باقری، ۱۷-۱۸).

د. شکل‌گیری نگرش از طریق پاداش و مجازات: از این شیوه، علاوه بر آیات قرآن[۱]، در روایات نیز استفاده شده است؛ به عنوان نمونه‌ای در این زمینه، می‌توان به روایتی از حضرت علی (ع) اشاره کرد که می‌فرمایند: «وَ لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ أَلْزِمْ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ»؛ هرگز نیکوکار و بدکار، در نزدت یکسان نباشند؛ زیرا، نیکوکاران، در نیکوکاری، بی‌رغبت و بدکاران، در بدکاری، تشویق می‌گردند، پس، هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان، پاداش ده (سید رضی، ۵۷۲). طبق فرمایش حضرت علی (ع)، برای شکل‌گیری نگرش مطلوب در مجرمان، و همچنین تقویت نگرش مطلوب در مؤمنان، شیوه ذکر شده، به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارها در این زمینه است.

ذ. شکل‌گیری نگرش از طریق محاسبه نفس: از این شیوه، علاوه بر آیات[۲] ، در روایات توصیه به محاسبه روزانه نفس (مجلسی، ۲۷۹/۷۵)، استفاده شده است. از آنجائی که این شیوه، افراد را به استغفار از رفتارهای ناصحیح خویش، ترغیب می‌کند، می‌توان گفت که در شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد و از آنجا که، آنها را به تکرار و مداومت بر رفتارهای خیر، ترغیب می‌کند، می‌توان گفت که در تقویت نگرش مطلوب (در افراد)، بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

---

۱. به عنوان نمونه: «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُون» (السجده، ۲۱)؛ تعبیر «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُون» در این آیه، بیانگر این است که مجازات، در تغییر نگرش مجرمان و شکل‌گیری نگرش مطلوب در آنها، نقش اساسی را دارا می‌باشد.

۲. «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُون» (الحشر، ۱۸).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۵-٤. شکل‌گیری نگرش، با تأمین نیاز

یکی از شیوه‌های مؤثر در شکل‌گیری نگرش در افراد، شکل‌گیری نگرش، از طریق تأمین نیازهای افراد می‌باشد. آموزه‌های دینی، برای رسیدن به این هدف، تأمین دو نیاز، از مهم‌ترین نیازهای افراد را مورد تأکید فراوان قرار داده است؛ که در شمار مصادیق این شیوه به حساب می‌آیند:

الف. شکل‌گیری نگرش از طریق تأمین نیازهای معنوی: یکی از مهم‌ترین نیازهای معنوی، نیاز انسان به خودشناسی یا شناخت فقر وجودی او در برابر خداوند می‌باشد[۱]. اهمیت این نیاز، به اندازه‌ای است که در روایات، معرفت و شناخت این نیاز، به عنوان سودمندترین معرفت‌ها[۲]، برترین خردورزی[۳] و مقدمه خداشناسی[۴]، ذکر گردیده است.

ب. شکل‌گیری نگرش از طریق تأمین این نیاز، در آموزه‌های دینی، کاربرد فراوانی دارد؛ به عنوان نمونه‌ای در این زمینه، می‌توان به این روایت از امام حسین (ع) اشاره کرد که می‌فرمایند: «أَصْبَحْتُ وَ لِیَ رَبٌّ فَوْقِی وَ النَّارُ أَمَامِی وَ الْمَوْتُ یَطْلُبُنِی وَ الْحِسَابُ مُحْدِقٌ بِی وَ أَنَا مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِی، لَا أَجِدُ مَا أُحِبُّ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَکْرَهُ وَ الْأُمُورُ بِیَدِ غَیْرِی، فَإِنْ شَاءَ، عَذَّبَنِی وَ إِنْ شَاءَ، عَفَا عَنِّی، فَأَیُّ فَقِیرٍ أَفْقَرُ مِنِّی» (ابن بابویه، ۴۰۴/۴). در این روایت، تعبیر «فَأَیُّ فَقِیرٍ أَفْقَرُ مِنِّی»، با توجه به اینکه از زبان معصوم (ع) بیان شده، بیانگر این است که، توجه به نیاز انسان به شناخت فقر وجودی او در برابر خداوند، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش مطلوب (در افراد) داشته باشد.

ج. شکل‌گیری نگرش از طریق تأمین نیازهای مادی (زیستی): این شیوه بیانگر این است که، بدون تأمین نیازهای زیستی، تأمین نیازهای معنوی و روحی و شکل‌گیری نگرش مطلوب را نمی‌توان از افراد، انتظار داشت. از این شیوه، علاوه بر آیات قرآن[۵] و

---

۱. «یا أَیُّهَا النَّاسُ، أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّه» (فاطر، ۱۵).
۲. «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَة، مَعْرِفَةُ الْإِنْسَان نَفْسَه» (تمیمی‌آمدی، ۲۳۲).
۳. «أَفْضَلُ الْعَقْل، مَعْرِفَةُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، عَقَلَ وَ مَنْ جَهِلَهَا، ضَل» (همان، ۵۲).
۴. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّه» (مجلسی، ۳۲/۲).
۵. به عنوان نمونه، در سوره قریش (قریش، ۳-۴)، دستور به عبادت خداوند، پس از یادآوری تأمین طعام و←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

روایات[۱]، در سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت ایشان (که مشحون از دستگیری مستمندان، در شب و روز، برای تأمین نیازهای زیستی و معیشتی آنان بوده است) نیز فراوان استفاده شده است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۶۷).

۶. مقایسه مبانی شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در دو دیدگاه)

شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در دو دیدگاه)، بر اساس مبانی زیر بیان گردیده‌اند:

۶-۱. مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی

در این زمینه، سه سؤال اساسی قابل طرح است:

الف- آیا انسان، دارای عقل و اراده و اختیار و به تبع آن، معرفت عقلانی می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، به طور کلی، سه نظریه در میان روان‌شناسان اجتماعی، مطرح شده است. عده‌ای از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی، نظریه‌پردازان الگوهای یادگیری؛ مانند، نظریه شرطی‌سازی کلاسیک و نظریه شرطی‌سازی عامل)، انسان را موجودی غیرعقلانی می‌دانند؛ موجودی منفعل، که قدرت تصمیم‌گیری نداشته، عقائدش تحت تأثیر اطرافیانش است و پاسخ‌گویی او به محرک‌ها، به صورت اتوماتیک و بدون تفکر می‌باشد (سورین و تانکارد، ۲۶۲؛ کریمی، ۲۴۱)؛ در نقطه مقابل، اعتقاد گروهی دیگر از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی، نظریه‌پردازان الگوهای شناختی؛ مانند، نظریه مقایسه اجتماعی، نظریه ادراک خود، نظریه یادگیری مشاهده‌ای و نظریه مواجهه‌صرف)، بر این است که انسان موجودی است عقلانی و دارای تفکر، که قدرت تصمیم‌گیری، در زمینه نگرش‌های خویش را دارا می‌باشد (سورین و تانکارد، ۲۶۲؛ کریمی، ۲۵۱)؛ سومین گروه از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی،

← امنیت، بیان شده و در سوره بقره (البقره، ۱۷۲) و مؤمنون (المؤمنون، ۵۱) نیز دستور به شکرگذاری و انجام عمل صالح، پس از دستور به خوردن رزق و روزی حلال خداوند، ذکر گردیده است.

۱. در این زمینه، می‌توان به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص)، اشاره کرد که در آن، تأمین نیازهای زیستی، به عنوان مقدمه تأمین نیازهای معنوی انسان، ذکر شده است: «اللَّهُمَّ بَارِکْ لَنَا فِی الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُ، فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صَلَّیْنَا وَ لَا صُمْنَا وَ لَا أَدَّیْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا» (کلینی، ۷۳/۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نظریه‌پردازان الگوهای کارکردی؛ مانند، نظریه کاتز)، نیز بر این اعتقادند که، انسان موجودی است غیرعقلانی و عقلانی؛ آنجا که نگرش‌های خود را به راحتی تغییر می‌دهد، غیرعقلانی است؛ اما آنجا که به جهت دارای کارکرد بودن نگرش‌هایش، نسبت به تغییر آنها مقاومت می‌کند، موجودی عقلانی می‌باشد (سورین و تانکارد، ۲۶۲). از آنجا که از نظر آموزه‌های دینی، انسان موجودی عقلانی، دارای اراده و اختیار و قدرت تفکر و تصمیم‌گیری است (مطهری، ۴۳۴/۱۶)، بنابر این، می‌توان در پاسخ به سؤال اول، آموزه‌های دینی را با نظر دومین گروه از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی، نظریه‌پردازان الگوهای شناختی)، دارای نقطه اشتراک دانست.

ب- آیا انسان، دارای طبیعت مشترک (فطرت یا بعد فطری) و به تبع آن، معرفت فطری می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال نیز گرچه به صراحت مطلبی از سوی روان‌شناسان اجتماعی، بیان نشده است، اما همچنان می‌توان آموزه‌های دینی را با نظر دومین گروه از روان‌شناسان اجتماعی (نظریه‌پردازان الگوهای شناختی)، دارای نقطه اشتراک دانست؛ زیرا «نخستین شاهد بر طبیعت مشترک داشتن انسان‌ها، این واقعیت است که، انسان دارای دستگاه شناختی و ادراکی ویژه‌ای است» (رجبی، ۱۲۵) که به کمک آن می‌تواند به ادراک عقلی و استنتاجی دست یابد (همان) و این واقعیت، توسط نظریه‌پردازان الگوهای شناختی (به دلیل عقلانی دانستن انسان)، پذیرفته شده است؛ بر خلاف گروه اول از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی، نظریه‌پردازان الگوهای یادگیری)، که (به دلیل غیرعقلانی دانستن انسان)، آن را مورد نفی قرار داده‌اند. سومین گروه از روان‌شناسان اجتماعی (یعنی، نظریه‌پردازان الگوهای کارکردی) نیز، گرچه از جهتی، انسان را عقلانی می‌دانند، اما به دلیل اعتقاد این روان‌شناسان، به وجود تفاوت‌های فردی در ماهیت انسان‌ها (کریمی، ۲۷۴)، نمی‌توان آنها را معتقد به وجود طبیعت مشترک (فطرت یا بعد فطری) برای انسان‌ها دانست.

با وجود اشتراک آموزه‌های دینی، با دومین گروه از روان‌شناسان اجتماعی (نظریه‌پردازان الگوهای شناختی)، دو دیدگاه، دارای دو اختلاف اساسی می‌باشند:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

اختلاف اول، در پذیرش غیرآگاهانه و عدم پذیرش کامل طبیعت مشترک (فطرت و بعد فطری)، از سوی نظریه‌پردازان الگوهای شناختی است؛ و علت آن، در بالقوه و ناخودآگاه بودن فطرت و بعد فطری انسان است؛ که با داده‌های حسی و آزمایش‌های تجربی روان‌شناسان اجتماعی، قابل ادراک نیست (موسوی فراز، ۳۷).

اختلاف دوم نیز، درباره پرورش و رشد طبیعت مشترک (فطرت یا بعد فطری) می‌باشد. بر خلاف نظریه‌پردازان الگوهای شناختی، که تمام توجه آنها، معطوف به بعد طبیعی انسان و شکل‌گیری نگرش‌های این بعد می‌باشد؛ توجه آموزه‌های دینی (با وجود پذیرش بعد طبیعی انسان)، به پرورش و رشد فطرت و نگرش‌های بعد فطری انسان، معطوف گشته است.

ج- آیا دستیابی به شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، از طریق معرفت شهودی و معرفت وحیانی، امکان‌پذیر است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، آموزه‌های دینی، نه تنها با گروه دوم، بلکه با هر سه گروه از روان‌شناسان اجتماعی، دارای اختلاف اساسی می‌باشد؛ زیرا، نظریه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی، بر مبنای معرفت تجربی (حاصل از تجربیات فردی و شواهد اجتماعی) بیان شده‌اند؛ نه معرفت شهودی و وحیانی.

۶-۲. مبانی ارزش‌شناختی

آموزه‌های دینی در این زمینه، با هر سه گروه از روان‌شناسان اجتماعی، دارای اختلاف می‌باشد؛ زیرا، هیچ یک از این سه گروه، در موضوع شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، سخن از ارزش‌گزاری نگرش بیان نکرده‌اند، درحالی‌که در آموزه‌های دینی، از شکل‌گیری نگرش ایمانی و غیر ایمانی[۱] و مطلوب و نامطلوب و عوامل شکل‌گیری این نوع از نگرش‌ها، سخن به میان آمده است[۲].

---

۱. با نگاهی به آموزه‌های دینی، می‌توان ایمان را به جهت دارا بودن سه مؤلفه نگرش (یعنی، شناخت، عواطف و رفتار)، نوعی نگرش دانسته و قائل به مفهوم نگرش ایمانی شد (آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰)؛ نگرشی که قرآن کریم آن را بسیار گرامی داشته، عامل رستگاری و رهنمایی انسان، از تاریکی‌ها به نور الهی دانسته و از ویژگی‌های پرهیزگاران و هدایت‌یافتگان می‌شمرد (سبحانی و محمدرضائی، ۴۱).

۲. به عنوان نمونه، قرآن، استفاده نادرست از اراده و اختیار و عدم تربیت بعد فطری را از عوامل شکل‌گیری نگرش نامطلوب، در انسان دانسته و نتیجه چنین نگرشی را صفات منفی زیر اعلام می‌کند: ←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

در ادامه، برخی از مبانی ارزش‌شناختی شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در آموزه‌های دینی، بیان می‌گردد:

۱. فطرت، از نظر آموزه‌های دینی، به دلیل ارزشمند بودن فطرت و بعد فطری، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش نیز در جهت پاسخ‌گوئی به نیازها و تقویت نگرش‌های (شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای) بعد فطری بیان گشته‌اند؛ درحالی‌که، در نظریه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی (حتی نظریه‌های گروه دوم از روان‌شناسان اجتماعی که تاحدودی فطرت را پذیرفته‌اند)، هیچ توجهی به فطرت، بعد فطری، پاسخ‌گوئی به نیازها و تقویت نگرش‌های بعد فطری انسان نشده است؛ بنابر این، در این زمینه، دو دیدگاه با یکدیگر اختلاف اساسی دارند.

۲. نیت، در این موضوع نیز دو دیدگاه با یکدیگر اختلاف اساسی دارند؛ زیرا، در شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (مبتنی بر رفتار)، از جمله، شیوه انجام اعمال صالحه و مداومت و تکرار بر آن، داشتن نیت قصد قربت (به هنگام انجام عمل صالح)، به عنوان شرط تحقق شکل‌گیری نگرش مطلوب (در انسان)، ذکر شده است؛ درحالی‌که، در هیچ یک از نظریه‌های شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی)، نیت، به عنوان شرط تحقق شکل‌گیری نگرش، پذیرفته نشده است.

۳. ایمان، از نظر آموزه‌های دینی، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، با ایمان، در ارتباط

←ناسپاس بودن انسان (العادیات، ۶)، روی گردانی انسان از خداوند (الاسراء، ۸۳)، مستقل دانستن اسباب و علل مادی (الانعام، ۶۳-۶۴؛ الاعراف، ۱۸۹-۱۹۰)، طغیان‌گری، (العلق، ۶-۷)، ستیزه جویی (النحل، ۴)، منکر قیامت بودن (مریم، ۶۶)، مکر نسبت به آیات الهی (یونس، ۲۱)، ستمگر بودن (ابراهیم، ۳۴)، نقض عهد الهی (یس، ۶۰)، توجیه‌گری (دسیسه کردن و مغالطه خواهی) (القیامه، ۱۴-۱۵) و غفلت کردن (الانبیاء، ۱)، جزوع و منوع بودن (المعارج، ۱۹-۲۲)، قتور بودن (بخل شدید) (الاسراء، ۱۰۰)، کم ظرفیت و خود محور بودن (الفجر، ۱۵)، بی‌صبر و نالان بودن در مقابل سختی‌ها (المعارج، ۲۰)، خودخواه بودن در برابر نعمت‌ها (الزمر، ۴۹)، ناامید بودن (فصلت، ۴۹)، سرمست و ناسپاس بودن، به هنگام دستیابی به نعمت‌ها (الشوری، ۴۸)، مغرور بودن (فصلت، ۵۰)، عجول بودن (الاسراء، ۱۱)، مجادله‌کننده بودن (الکهف، ۵۴)، فخور بودن (هود، ۱۰)، افزون‌طلب بودن (التکاثر، ۱)، مال‌دوست بودن (الفجر، ۲۰)، دنیادوست بودن (آل‌عمران، ۱۴)، ضعیف بودن انسان، در برابر طوفان غرایز (النساء، ۲۷-۲۸) (جوادی آملی، ۲۳۸-۲۴۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مستقیم هستند؛ به عبارت دیگر، با تحقق این شیوه‌ها، رسیدن به ایمان و درجات ایمانی، امکان‌پذیر می‌گردد؛ درحالی‌که، چنین چیزی در نظریه‌های شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی)، قابل تصور نمی‌باشد.

۴. **وحی**، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در آموزه‌های دینی، بر اساس متون دینی (که نتیجه ارتباط مستقیم با وحی الهی هستند)، شکل گرفته‌اند؛ در حالی که، مبنای نظریه‌های شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی)، تجربیات فردی و شواهد اجتماعی می‌باشد.

۵. **سعادت اخروی**، در این زمینه نیز دو دیدگاه با یکدیگر اختلاف اساسی دارند؛ زیرا، تحقق شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در آموزه‌های دینی)، می‌تواند از جمله عوامل مستقیم تأمین سعادت اخروی انسان محسوب شود، درحالی‌که نظریه‌های شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی)، با حصول سعادت اخروی انسان، هیچ ارتباط مستقیمی ندارند (گرچه روان‌شناسی اجتماعی، از طریق بهبود روابط اجتماعی و کیفیت زندگی، می‌تواند به طور مستقیم بر سعادت دنیوی فرد و به طور غیر مستقیم، بر سعادت اخروی افراد اثرگذار باشد).

۷. مقایسه هدف شیوه‌های شکل‌گیری نگرش و اقسام این شیوه‌ها (در دو دیدگاه)

دو دیدگاه، در اقسام شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، دارای نقطه اشتراک می‌باشند (به دلیل این‌که، شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، در هر دو دیدگاه، به شیوه‌های مبتنی بر شناخت، عواطف، رفتار و نیاز، قابل تقسیم است)؛ اما در هدف ارائه شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، دارای اختلاف اساسی هستند؛ این هدف، در آموزه‌های دینی، پرورش صحیح فطرت یا نگرش‌های (شناخت‌ها، تمایلات و رفتارهای) بعد فطری انسان، ذکر شده است؛ درحالی‌که، روان‌شناسان اجتماعی، به دنبال تحلیل و پیش‌بینی رفتارهای بعد طبیعی انسان می‌باشند.

۸. مقایسه شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در دو دیدگاه)

با وجود اختلاف دو دیدگاه، در مبانی (انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

و هدف شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، می‌توان شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در دو دیدگاه) را تا حدودی با یکدیگر قابل تطبیق دانسته و با مقایسه آنها، نقـاط اخـتلاف و اشـتراکی را استنباط کرد:

۱. مقایسه نظریه یادگیری مشاهده‌ای، با شیوه الگوسازی و شیوه پندآمـوزی: اشـتراک دو دیدگاه، در پذیرش تأثیر یادگیری (از طریق مشاهده)، در شکل‌گیری نگرش مـی‌باشـد (فرانزوی، ۱۳۴–۱۳۵؛ سید رضی، ۵۲۱)؛ اما اختلاف این دو، در زمینه ارتباط مشـاهده، بـا پرورش فطرت یا نگرش‌های بعد فطری انسان است؛ آموزه‌های دینی، به دلیل پذیرش ایـن ارتباط؛ اولاً، محدودیت‌هایی را برای مشاهده بیان داشـته؛ ثانیـاً، اسـوه‌هـا و عبـرت‌هـای فراوانی را برای یادگیری از طریق مشاهده، به افراد معرفی کرده (که در شیوه الگوسازی و شیوه پندآموزی، به آن اشاره شد) و ثالثـاً، افـرادی (ماننـد والـدین و ...) را کـه بیشـتر در معرض یادگیری مشاهده‌ای قرار دارند، به انجام اعمال خیر، در حضور دیگـران (فرزنـدان و...) توصیه کرده است[۱].

۲. مقایسه نظریه مقایسه اجتماعی، با شیوه مقایسه با دیگـران: اشـتراک دو دیـدگاه، در پذیرش تأثیر مقایسه، در شکل‌گیری نگرش (در افراد) می‌باشـد (بـارون، بـرن، جانسـون، ۲۱۱–۲۱۲؛ کلینی، ۲۴۴/۸)؛ با این تفاوت که، با توجه به هدف شـیوه‌هـای شـکل‌گیـری نگرش (در آموزه‌های دینی)، این مقایسه، به صورت مطلق، جایز دانسته نشده و جـواز آن، تنها در مورد افرادی است که در امـور مـادی، پـایین‌تـر (کلینـی، ۲۴۴/۸) یـا هـم‌ردیـف (مجلسی، ۳۶۷/۷۲) و در امور معنوی، بالاتر از انسان باشند.

۳. مقایسه نظریه مواجهه صِرف، با شیوه انجام اعمال صالحه و مداومت بـر آن و شـیوه هم‌نشینی: اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش تأثیر مواجهه و تکرار آن، در شکل‌گیری نگـرش

---

۱. لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً»، قَالَ النَّاسُ، يَا رَسُولَ اللَّـهِ، كَيْـفَ نَقِـي أَنْفُسَـنَا وَ أَهْلِينَا، قَالَ: «اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَ ذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ، فَأَدِّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»؛ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، أَ لَا تَرَى أَنَّ اللَّـهَ يَقُـولُ لِنَبِيِّهِ: «وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها» وَ قَالَ: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتابِ إِسْماعِيلَ، إِنَّهُ كانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ كانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَ كانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاةِ وَ كانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (ابن حیون، ۸۲/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

(در افراد) می‌باشد (فرانزوی، ۱۳۲؛ مصباح یزدی، ۲۲۱)؛ با این تفاوت که، آموزه‌های دینی، از این مسأله، در جهت تقویت نگرش‌های بعد فطری افراد، استفاده کرده است؛ به همین دلیل، هر نوع مواجهه‌ای در آموزه‌های دینی، مورد توصیه واقع نشده؛ بلکه تنها، مواجهه و مداومت بر اعمال صالح (شیوه انجام اعمال صالحه و مداومت بر آن) و افراد صالح (شیوه هم‌نشینی)، سفارش شده است.

۴. مقایسه نظریه شرطی‌سازی کلاسیک، با شیوه نرم‌خو بودن با افراد، احترام گذاشتن به افراد و در نظر گرفتن تنوّع روحی افراد: اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش تأثیرگزاری تداعی، بر یادگیری و شکل‌گیری نگرش (در افراد) می‌باشد؛ به عبارت دیگر، هر دو دیدگاه، یادگیری از طریق تداعی را، مؤثر در شکل‌گیری نگرش می‌دانند (فرانزوی، ۱۳۳؛ احمدی میانجی، ۵۸۹/۲)؛ با این تفاوت که آموزه‌های دینی، از این مسأله، در جهت شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد استفاده کرده؛ به همین دلیل، توصیه آموزه‌های دینی بر این است که افراد (به خصوص، کسانی که تأثیرگزار در امر تربیت هستند)، در ارتباط با دیگران، بهترین گفتار و رفتار را انتخاب کنند (مثل، نرم‌خو بودن، احترام گذاشتن و در نظر گرفتن تنوّع روحی افراد)، تا از طریق تداعی این گفتار و رفتار برای دیگران، زمینه‌های شکل‌گیری نگرش مطلوب، در آنها نیز فراهم گردد.

۵. مقایسه نظریه ادراک خود، با شیوه محاسبه نفس: اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش تأثیر توجه به رفتار، در شکل‌گیری نگرش (در افراد) می‌باشد (فرانزوی، ۱۳۵-۱۳۶؛ مجلسی، ۲۷۹/۷۵)؛ اما نقطه اختلاف، در معنای توجه به رفتار (در نظریه ادراک خود و شیوه محاسبه نفس) است؛ از آنجا که هدف شیوه محاسبه نفس، پرورش نگرش‌های بعد فطری افراد است، توجه به رفتار، در شیوه محاسبه نفس (برخلاف نظریه ادراک خود)، به معنای توجه افراد، به رفتارهای خوب و بد خویش (در طول روز یا پایان هر روز) می‌باشد؛ چنین توجهی، اگر همراه با شکرگزاری (به علت توفیق انجام امور خیر) و توبه (به علت پشیمانی از انجام امور ناپسند) باشد، به تدریج، به شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

و به دنبال آن، پرورش نگرش‌های بعد فطری افراد، منتهی خواهد گردید.

۶. مقایسه نظریه شرطی‌سازی عامل، با شیوه پاداش و مجازات: اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش شکل‌گیری نگرش، از طریق تقویت و پاداش و ترساندن و مجازات می‌باشد (بارون، برن، جانسون، ۲۱۰؛ سیدرضی، ۵۷۲)؛ اما نقطه اختلاف آنها، در زمینه ارتباط پاداش و مجازات، با پرورش نگرش‌های بعد فطری افراد است؛ از نظر آموزه‌های دینی، به دلیل وجود این ارتباط، پاداش و مجازات، باید به گونه‌ای باشد که به تقویت نگرش مطلوب (در مؤمنان) و شکل‌گیری نگرش مطلوب (در مجرمان)، منجر گردد.

۷. مقایسه نظریه کاتز، با شیوه تأمین نیازهای معنوی و نیازهای زیستی: اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش نقش تأمین نیازها، در شکل‌گیری نگرش، در افراد می‌باشد (فرانزوی، ۱۳۸-۱۳۹؛ کلینی، ۷۳/۵)؛ با این تفاوت که، از نظر آموزه‌های دینی، نیاز انسان‌ها، فقط محدود به نیازهای مادی (زیستی) نبوده، بلکه علاوه بر این نیازها، انسان‌ها به دلیل داشتن طبیعت مشترک (فطرت یا بعد فطری)، دارای نیازهای معنوی مشترک نیز می‌باشند (خسروپناه، ۹۳)؛ به گونه‌ای که، تأمین این نیازهای معنوی (علاوه بر تأمین نیازهای مادی)، در شکل‌گیری نگرش مطلوب و به دنبال آن، در پرورش نگرش‌های بعد فطری افراد، نقش بسزایی را می‌تواند ایفا کند.

اختلاف دیگر (دو دیدگاه)، در امکان ارائه عوامل مشترک، برای شکل‌گیری نگرش، در افراد می‌باشد. از نظر آموزه‌های دینی، به دلیل وجود طبیعت مشترک (فطرت یا بعد فطری) برای انسان‌ها و مشترک بودن نیازهای معنوی و روحی آنها با یکدیگر (همان)، امکان ارائه چنین عوامل مشترکی (مانند، نیاز انسان به خودشناسی یا شناخت فقر وجودی او در برابر خداوند، که در این مقاله به آن اشاره گردید)، برای شکل‌گیری نگرش مطلوب در افراد، مقدور است؛ در حالی که، در نظریه‌های مبتنی بر نیاز (مانند، نظریه کاتز)، به دلیل اعتقاد به وجود تفاوت‌های فردی در ماهیت انسان‌ها (کریمی، ۲۷۴)، علاوه بر قابل تصور نبودن پذیرش طبیعت مشترک برای انسان‌ها، امکان ارائه چنین عوامل مشترکی، (برای شکل‌گیری نگرش)، نیز مقدور نمی‌باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۹. نتایج مقاله

پژوهش حاضر به نتایج ذیل دست یافت:

۱. نظریه‌های شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی (بر مبنای خاستگاه شکل‌گیری نگرش)، به چهار گروه (نظریه‌های مبتنی بر شناخت، عواطف، رفتار و نیاز)، قابل تقسیم می‌باشد؛ هم‌چنین شیوه‌های شکل‌گیری نگرش در آموزه‌های دینی نیز، به چهار گروه، قابل تقسیم است، که عبارتند از: شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، با ایجادشناخت، با تحریک عواطف، با ایجاد رفتار و با تأمین نیاز.

۲. فارغ از نقاط اشتراک و افتراق موجود، میان هر یک از نظریه‌های شکل‌گیری نگرش (در روان‌شناسی اجتماعی)، با شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در آموزه‌های دینی)، که در این مقاله به آنها اشاره گردید، مهم‌ترین نقطه اشتراک دو دیدگاه، در پذیرش شکل‌گیری نگرش، از طریق شناخت، عواطف، رفتار و نیاز می‌باشد؛ گرچه با دقت نظر، نقاط اشتراک دیگری را نیز می‌توان بدست آورد؛ به عنوان نمونه، مؤلفه‌هائی مثل؛ هم‌نشینی، تشویق و تنبیه (معادل تقریبی انذار و تبشیر)، نرم خو بودن با افراد و استدلال و منطق، از مواردی است که علاوه بر آموزه‌های دینی، در شکل‌گیری نگرش در روان‌شناسی اجتماعی نیز کاربرد دارد.

۳. مهم‌ترین نقاط اختلاف دو دیدگاه نیز، علاوه بر اختلاف در مبانی (انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی)، اختلاف در هدف ارائه شیوه‌های شکل‌گیری نگرش، در دو دیدگاه می‌باشد. آخرین اختلاف که ویژگی منحصر به فرد شیوه‌های شکل‌گیری نگرش (در آموزه‌های دینی) نیز می‌باشد، شکل‌گیری نگرش مطلوب (در افراد) و به دنبال آن، پرورش صحیح فطرت یا نگرش‌های (شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای) بعد فطری افراد، در مسیر الهی است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق و تصحیح آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۳۸۵.
۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۵. آذربایجانی، مسعود [و دیگران]، روان‌شناسی اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۶. آرونسون، الیوت، ویلسون، تیموتی دی، آکرت، روبین ام، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه افسانه شیخ الاسلام زاده، تهران، ما و شما، ۱۳۸۴ش.
۷. بارون، رابرت، برن، دونا، جانسون، بلرتی، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی تحصیلی، تهران، کتاب آمه، ۱۳۸۹ش.
۸. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مجله تربیت، ش ۸، ۱۳۶۶ش.
۹. بشیر، حسن، دعوت اسلامی: مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. جمعی از اصحاب ائمه (ع)، الاصول السته عشر، تحقیق و تصحیح ضیاء الدین محمودی، نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، تحقیق محمد حسین الهی‌زاده، چاپ پنجم، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، با همکاری جمعی از پژوهش‌گران، انسان‌شناسی اسلامی، قم، دفتر نشرمعارف، ۱۳۹۲ش.
۱۴. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. سبحانی، جعفر، محمدرضائی، محمد، اندیشه اسلامی ۱، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. سورین، ورنر جی، تانکارد، جیمز دبلیو، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹ش.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. طبرسی، احمدبن‌علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح و تحقیق محمد باقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. فرانزوی، استفن ال، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه و تلخیص مهرداد فیروز بخت و منصور قنادان، تهران، رسا، ۱۳۸۱ ش.
۲۲. کریمی، یوسف، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، ارسباران، ۱۳۸۹ش.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. لیثی‌واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق و تصحیح حسین حسنی بیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، به سوی او، تحقیق محمد مهدی نادری قمی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
۲۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چ ۵، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. موسوی فراز، محمدرضا، برهان فطرت، مجله معرفت، ش ۶۲، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]